

قابل انتشار (دوره ۱۴، شماره ۲۸، بهار ۱۴۰۵) فصلنامه پژوهش‌های حقوق جزا و جرم‌شناسی

علیرضا نوریان: دانش‌آموخته دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی

بازخوانی صلاحیت قضایی جهانی مطلق در حقوق کیفری ایران؛ با نگاهی به تجربه بلژیک

چکیده

مواد ۱۸ و ۱۹ از طرح «صلاحیت رسیدگی محاکم جمهوری اسلامی ایران در خصوص جرایم بین‌المللی» که در ۲۵ تیر ۱۴۰۴ خورشیدی، به‌توسط هیئت رییس‌مجلس شورای اسلامی اعلام وصول شده است، در مقام برقراری صلاحیت جهانی محاکم داخلی برای رسیدگی به نسل‌زدایی، جنایت جنگی، جنایت علیه بشریت و تجاوز است. چنین صلاحیتی به مراجع قضایی ملی اجازه می‌دهد که به جرایم مهم بین‌المللی، که پیش‌تر رسیدگی به آنها در صلاحیت دادگاه بین‌المللی کیفری قرار گرفته است رسیدگی کنند. مواد مذکور، اعمال صلاحیت را به‌شروطی محدود مقید نموده‌اند و از دیگر شروط صلاحیت قضایی جهانی و نیز الزامات ماده ۹ قانون مجازات اسلامی سخنی نیست. تلاش ما در این مقاله بر آن است که با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و از لابه‌لای سطور این مواد، مقاصدی که تدوین‌کنندگان طرح در تعیین صلاحیت کیفری اراده نموده‌اند را دریابیم. در آغاز به صلاحیت قضایی جهانی مطلق پرداختیم. سپس آنچه از مضامین این مواد دریافتیم را به‌صورت پیش‌فرض‌هایی پیش نهادیم، و در پایان ابهامات و ایرادات دو ماده مذکور را برشمردیم و از تجربه کشور بلژیک در کاربست شتاب‌زده صلاحیت قضایی جهانی مطلق گفتیم. نویسنده با تأکید بر اهمیت صلاحیت جهانی در پاسخ‌گو نگه‌داشتن افراد برای جنایات جدی بین‌المللی، استدلال می‌کند که صلاحیت در نظر گرفته‌شده در طرح پیشنهادی، به تعریف مجدد حدود و ثغور و مختصات نیاز دارد.

واژگان کلیدی:

صلاحیت قضایی جهانی، صلاحیت قضایی جهانی مطلق، جرایم بین‌المللی، حقوق بین‌الملل عرفی، حقوق معاهدات

قوانینی که در یک کشور وضع می‌شدند علی‌الاصول در قلمرو حاکمیت همان کشور اعتبار داشتند.^۱ اما این فرض که جرم در یک سرزمین به‌وقوع پیوسته باشد و در قلمرو سرزمین دیگری رسیدگی شود و تابع قانون دولت دیگری باشد دور از ذهن نبود، که از آن به صلاحیت برون‌سرزمینی قانون کیفری تعبیر شد. شمول قانون کیفری فراتر از مرزهای سرزمینی، به‌دلایلی چون تابعیت مجرم یا مجنی‌علیه و منافع اساسی دولت، معیارهایی برای تعیین صلاحیت شدند. بعدها صلاحیت برون‌سرزمینی قوانین کیفری، به جرایمی گسترش یافت که تهدیدی علیه ارزش‌ها و منافع مشترک جامعه بین‌المللی بودند و هردولتی حق خود می‌دانست که از این ارزش‌ها و منافع در لوای قوانین کیفری دفاع کند. این توسل به حقوق کیفری ماهوی داخلی برای کیفر جرایم بین‌المللی، همان صلاحیت قضایی جهانی است که استثنائی بر سرزمینی بودن قوانین کیفری محسوب می‌شود.

تا پیش از نیمه دوم قرن بیستم میلادی و به‌موجب ماده ۳۸ اساسنامه دیوان بین‌المللی دادگستری، دولت‌ها در تعقیب و محاکمه مجرمان بین‌المللی، گاه خود را براساس قواعد بین‌المللی عرفی صالح به رسیدگی می‌دانستند^۲ و گاه، در قالب معاهدات بین‌المللی، می‌توانستند و یا باید می‌توانستند به جنایات مذکور در این معاهدات به‌موجب قوانین داخلی خود رسیدگی کنند. در نیمه دوم قرن بیستم، کنوانسیون‌های بین‌المللی بیشتری، صلاحیت قضایی جهانی دادگاه‌های ملی را نسبت به جرایم بین‌المللی پیش‌بینی نمودند و قانونگذاری‌های کشورهای مختلف، از جمله بلژیک، قوانینی در مورد صلاحیت جهانی دادگاه‌های خود برای رسیدگی به جرایم جنگی، جرایم علیه بشریت و نسل‌زدایی به‌تصویب رسانیدند.

مجلس شورای اسلامی، پس از جنگ دوازده‌روزه، اتخاذ تدابیری را برای دفاع از خطرات جرایم بین‌المللی و مبارزه با بی‌کیفرمانی این قبیل جرایم لازم دانست؛ از جمله تعقیب و مجازات مرتکبین جرایم بین‌المللی در دادگاه‌های ملی. بر مبنای این تدبیر، که همان نظام مسئولیت مشدد دولت‌هاست،^۳ با الهام از حقوق بین‌الملل عرفی و اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری، «طرح صلاحیت رسیدگی محاکم جمهوری اسلامی ایران در خصوص جرایم بین‌المللی»^۴ در ۲۱ ماده و ۱۳ تبصره در بیست‌وپنجم تیرماه یک‌هزار و چهارصد و چهار خورشیدی، با دو فوریت به‌توسط هیئت رئیسه مجلس شورای اسلامی اعلام‌وصول شده است که به تعیین اعمالی پرداخته که از نظر تدوین‌کنندگان، جنایت علیه بشریت، نسل‌زدایی، جنایت جنگی و تجاوز تلقی می‌شوند.^۵ از آنجا

۱. مطابق ماده ۳ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ خورشیدی با اصلاحات بعدی، «قوانین جزایی ایران درباره کلیه اشخاصی که در قلمرو حاکمیت زمینی، دریایی و هوایی جمهوری اسلامی ایران مرتکب جرم شوند اعمال می‌شود مگر آنکه به‌موجب قانون ترتیب‌دیگری مقرر شده‌باشد». در ادامه این مقاله، از عبارت قانون مجازات اسلامی، به‌جای عنوان کامل آن استفاده می‌شود.

۲. براساس اصول پرینستون، جنایاتی که ریشه در حقوق بین‌الملل عرفی دارند بدون آنکه صلاحیت قضایی جهانی به‌آنها محدود شود عبارتند از: دزدی دریایی، برده‌داری و شیوه‌های مربوطه برده‌داری، جنایات جنگی، جنایات علیه بشریت، جنایات علیه صلح، نسل‌زدایی و شکنجه؛

۳. «مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها در برابر حقوق بشر»، در دانشنامه حقوق بشر، جلد دوم، به‌اهتمام حسین میرمحمدصادقی و امیرحسین

نیازپور و عارف خلیلی پاچی (تهران: نشر میزان، ۱۴۰۳)، ۶۴۰-۶۴۱.

۴. از این‌پس، از عبارت طرح پیشنهادی، به‌جای عنوان کامل آن استفاده می‌کنیم.

۵. پیش‌تر تلاش‌هایی در این زمینه صورت گرفته است: طرح نحوه رسیدگی به شکایات جنایات جنگی، کشتار جمعی و تعدیات ناشی از رژیم‌های نژادپرست و ضدبشری در ۱۳۸۱، لایحه رسیدگی به جنایات بین‌المللی در دادگاه‌های ایران در ۱۳۸۷، ماده ۱۱ قانون الزام دولت به‌حمایت همه‌جانبه از مردم مظلوم فلسطین مصوب ۱۳۸۷، و ماده ۳ قانون مقابله با اقدامات خصمانه رژیم صهیونیستی علیه صلح و امنیت مصوب ۱۳۹۹.

که طرح پیشنهادی، اخیراً به هیأت رییسۀ مجلس شورای اسلامی تقدیم شده و پژوهشی در این خصوص صورت نگرفته است، این مقاله به بررسی مواد ۱۸ و ۱۹ طرح، که مرتبط با صلاحیت است، می‌پردازد.

به نظر می‌رسد نمایندگان مجلس شورای اسلامی، با این دیدگاه که محاکم کیفری داخلی در اجرای عهدنامه‌های بین‌المللی یا حقوق بین‌الملل عرفی، از صلاحیت لازم برای رسیدگی به جرایم جدی بین‌المللی برخوردار نیستند و نمی‌توانند در احراز صلاحیت‌ها مستقیماً به آنها استناد کنند، و از سوی دیگر، جایگاه صلاحیت قضایی جهانی در مقررات کیفری کشورمان، ماده ۹ قانون مجازات اسلامی است، اقدام به تدوین طرح مذکور نموده‌اند؛ زیرا قدر مسلم این است که چنانچه این جرایم، پیشاپیش به موجب عهدود بین‌المللی تعیین شده باشند و بتوان مرتکب را بر مبنای این معاهده‌ها طبق قوانین جمهوری اسلامی ایران، تعقیب و محاکمه نمود، لزومی به جرم‌انگاری دوباره و برقراری صلاحیت مجدد برای محاکم ملی نبود.

۱. تبیین صلاحیت قضایی جهانی مطلق

قوانین کیفری صرفاً در داخل قلمرو حاکمیت کشور واضح آنها قابلیت اعمال و اجرا دارند که از آن به صلاحیت سرزمینی یاد می‌شود. به مرور زمان، در کنار این صلاحیت اولیه و اساسی، صلاحیت‌های فرعی دیگری، یعنی صلاحیت شخصی، مبتنی بر تابعیت مجنی‌علیه، واقعی، و جهانی، برای تکمیل آن به وجود آمدند که این صلاحیت‌های چهارگانه بر اعمال قوانین کیفری در خارج از قلمرو حاکمیت دلالت دارند.

برخی جرایم به دلیل ماهیت و یا وسعت انتشار آثار خود، نه تنها به نظم عمومی محل وقوع جرم، بلکه به نظم عمومی حاکم در قلمرو وسیع‌تر از آن لطمه می‌زنند به گونه‌ای که در این موارد، منافع اساسی بشریت مورد صدمه قرار می‌گیرد.^۶ به منظور جلوگیری از بی‌کیفرمانی مرتکبان این جرایم، صلاحیت جهانی مورد شناسایی قرار گرفته است.

صلاحیت جهانی به هر دولتی اجازه می‌دهد اشخاصی را که دلایل جدی بر توجه اتهام ارتکاب یکی از محدود جرایم مشمول صلاحیت جهانی به آنها وجود دارد، تحت تعقیب کیفری قرار دهد؛ صرف نظر از اینکه جرم مزبور، کجا ارتکاب یافته و صرف نظر از تابعیت مرتکب و قربانی. به عبارت دیگر، در حالت عادی، محاکم یک دولت، تنها زمانی به صورت مشروع بر یک اقدام مجرمانه اعمال صلاحیت می‌کنند که عمل مذکور ارتباط جدی با سرزمین یا اتباع آنها داشته باشد.^۷ لکن هنگامی که به اعمال صلاحیت بر یک تبعۀ خارجی برای جرایم ارتكابی در خارج از محدوده صلاحیت سرزمینی خود و علیه قربانیان خارجی می‌پردازد، از اصل صلاحیت جهانی استفاده نموده است که اصول بنیادین حاکمیت را به چالش می‌کشد.^۸

صرف نظر از اینکه صلاحیت جهانی را لازمه زیست جهانی بدانیم یا نهادی عوام‌فریب،^۹ یا اینکه معتقد باشیم از لحاظ تئوری، صلاحیت جهانی باید در کشورهایی که دارای توان نظامی بالا با سازمان‌های اطلاعاتی کارآمد که قادر به انجام عملیات در

6. Brigitte Stern, "La compétence universelle en France: le cas des crimes commis en ex-Yougoslavie et Rwanda", German Yearbook of International Law, 40(1997), 281.

7. Mohammad Cherif Bassiouni, "The Sources and Content of International Criminal Law: A Theoretical Framework", in 1 International Criminal Law, at 3, 2d ed (Transnational Publishers, 1999), 45.

۸. دایان اورنتلیچر، «صلاحیت جهانی: یک استراتژی واقع‌بینانه از دیدگاه یک فیلسوف»، ترجمه زکیه تقی‌زاده و فاطمه هداوندی، در حقوق بین‌الملل کیفری، نظریه و رویه، چاپ دوم، مجموعه مقالات بزرگداشت محمد شریف‌بسیونی، به اهتمام عبدالله عابدینی (تهران: موسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهردانش، ۱۴۰۱) ۱۶۲.

۹. شهرام زرنشان و سیدحسین میرجعفری و سمانه رحمتی‌فر، «صلاحیت جهانی، نهادی پوپولیستی یا لازمه زیست بین‌المللی»، پژوهش‌های حقوقی، ۲۴، ۶۱ (۱۴۰۴)، ۹۵-۱۲۲.

خارج از کشور هستند اعمال شود،^{۱۰} این صلاحیت از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. این صلاحیت آن‌گاه «جهانی» است که دادگاه داخلی، بدون در نظر داشتن معیارهای معمول، وارد رسیدگی نسبت به اعمال مجرمانه‌ای شود که هرکسی در هر جای این جهان می‌تواند مرتکب شده باشد. بدین لحاظ، دادگاه‌های همه دولت‌ها صلاحیت رسیدگی به آنها را دارند^{۱۱} و به تابعیت مرتکب یا مجنی‌علیه، یا منافع اساسی دولتی خاص، توجه نمی‌شود و نسبت به جرمی اعمال می‌گردد که در خارج از کشور و توسط اتباع بیگانه و علیه بیگانگان، حتی بدون هیچ صدمه‌ای به منافع دولت مدعی صلاحیت ارتکاب یافته باشد.^{۱۲}

سابقه بحث از صلاحیت قضایی جهانی را می‌توان در منشور کبیر انگلیس^{۱۳} مصوب ۱۲۱۵ میلادی جست‌وجو کرد.^{۱۴} هم‌چنین گفته شده است صلاحیت جهانی، ابتدا در ایتالیا و بین شهرهای آن جاری گردید.^{۱۵}

برای این صلاحیت، مبانی متعددی قابل ذکر است. یکی از این مبانی که صلاحیت جهانی در پیدایش اولیه خود، بیش از همه بر آن تکیه کرده است، ضرورت جلوگیری از بی‌مجازات ماندن مجرمان است. دیگری، نظم عمومی کشور محل دستگیری، و مبنای دیگر هم نظم عمومی بین‌المللی است.^{۱۶}

رویکردهای صلاحیت جهانی، به دو زیرمجموعه تقسیم شده است. صلاحیت قضایی جهانی مطلق،^{۱۷} که موسع یا محض نیز نام دارد،^{۱۸} صرفاً بر اساس ماهیت جرم اعمال می‌شود و به محل ارتکاب جرم، ملیت متهم و یا دستگیری وی بستگی ندارد و بر این مبنا، یک دولت می‌تواند متهم به جنایات بین‌المللی را صرف نظر از محل ارتکاب جنایت، تابعیت مرتکب یا مجنی‌علیه، و یا بازداشت و حضور متهم در کشور مقرر دادگاه، مورد تعقیب و محاکمه قرار دهد. این مفهوم از صلاحیت جهانی، به مقامات داخلی اجازه می‌دهد که به محض پی‌بردن به اطلاعاتی در خصوص جنایت مورد ادعا، تحقیقات کیفری در مورد مظنون را آغاز و بدون حضور وی، صلاحیت کیفری را اعمال کنند.^{۱۹} در مقابل، بر اساس صلاحیت قضایی جهانی مشروط،^{۲۰} که مضیق یا حضوری نیز نام دارد، تنها و فقط دولتی که متهم در خاک آن بازداشت و یا یافت شده است، صلاحیت رسیدگی دارد.^{۲۱}

10. AFM Asif Aznani, "Universal Jurisdiction: The Complex Implementation", *Scholars International Journal of Law, Crime and Justice*, 7, 6(2024), 198. DOI:10.36348/sijlcj.2024v07i06.001

11. Hervé Ascensio et Emmanuel Decaux et Alain Pellet, *DROIT INTRNATIONAL PENAL*(Paris: Pedone, 2012), 972.

۱۲. علی خالقی، «مقدمه‌ای بر مطالعه اصول حاکم بر صلاحیت کیفری در حقوق جزای بین‌الملل»، پژوهش‌های حقوقی، ۱، ۲ (۱۳۸۱)، ۳۵.

13. Magna Carta

۱۴. شهرام زرنشان و سیدحسین میرجعفری و سمانه رحمتی فر، «صلاحیت جهانی دادگاه‌های ایران در حقوق بین‌المللی کیفری»، مطالعات حقوق عمومی، ۳، ۵۳ (۱۴۰۲)، ۱۶۵۶.

DOI: 10.22059/jpls.2022.332271.2915

«سزار بکاربا» نیز از کسانی بود که مفهوم صلاحیت جهانی را مورد توجه قرار داد. وی در «رساله جرایم و مجازات‌ها» نوشته است که «دادرسان، به‌طور کلی، انتقام-گیرندگان نوع بشر نیستند اما مدافعان تعهدات به‌خصوصی هستند که مرتبط با انسان‌هاست». (دیدیه روبو، حقوق کیفری بین‌المللی، ترجمه بهزاد رضوی‌فرد و محمد فرجی (تهران: نشر میزان، ۱۴۰۳)، ۱۳۵.

۱۵. مجید حائری، «حقوق جزای بین‌المللی»، مجله کانون وکلا، ۱، ۲۰-۲۲ (۱۳۲۹)، ۱۹.

۱۶. حسن پوربافرانی، حقوق جزای بین‌الملل (تهران: انتشارات جنگل جاودانه، ۱۴۰۴)، ۱۲۹-۱۳۳.

17. Absolute universal jurisdiction

۱۸. که گاهی (به‌اشتباه) صلاحیت غیابی نامیده می‌شود.

Anton Korynevych and Oleksandra Chubinidze, "Legal Regulation of Universal Jurisdiction in National Legislation: A Comparative Aspect", *Actual Problems of International Relations*, 1, 141(2019), 48. DOI:10.17721/apmv.2019.141.1.45-57

۱۹. نمونه بارز آن، محاکمه آیشمن، افسر عالی‌رتبه نازی‌ها، در دادگاه جنایی اورشلیم در ۱۹۶۰ میلادی است. نک: یاسمن خادمی، «قضیه آدولف آیشمن»، در دانشنامه حقوق بشر، جلد دوم، به‌اهتمام حسین میرمحمدصادقی و امیرحسین نیازپور و عارف خلیلی پاچی (تهران: نشر میزان، ۱۴۰۳)، ۳۹۷-۴۰۳.

20. Restricted universal jurisdiction

۲۱. شهرام زرنشان و سیدحسین میرجعفری و سمانه رحمتی فر، پیشین، ۱۶۵۸.

صلاحیت قضایی جهانی مشروط، همانند سایر اصول صلاحیت اعمال قوانین کیفری در خارج از قلمرو حاکمیت، یک اصل بی‌قید و شرط نیست و اعمال آن دارای شرایطی است:^{۲۲}

نخست، وقوع جرم در خارج از قلمرو حاکمیت کشور. اگر جرم در داخل قلمرو حاکمیت کشور اعمال‌کننده صلاحیت اتفاق افتاده باشد آن دولت با استفاده از صلاحیت قضایی سرزمینی خود به جرم رسیدگی کرده و نیازی به اعمال صلاحیت قضایی جهانی نخواهد بود.

دوم، حضور مجرم در کشور محل دستگیری. عبارت «اگر در ایران یافت شود» در ماده ۹ قانون مجازات اسلامی، آنگونه که شرح خواهیم داد، مؤید این شرط است. اساساً یکی از عوامل ایجاد اصل صلاحیت قضایی جهانی، رسیدگی فوری به جرایم بین‌المللی است و برای اجرای سریع عدالت، اجازه تعقیب و محاکمه به دولت محل دستگیری داده شده است. پس لازمه این رسیدگی فوری، وجود مجرم، تحت تسلط دولت محل دستگیری است. بر مبنای همین استدلال و توجه به اینکه صلاحیت جهانی دادگاه‌های دولت محل دستگیری، یک صلاحیت فرعی است، امکان محاکمه غیابی مرتکب وجود ندارد؛ تا آنجا که برخی معتقدند حضور متهم در کشور محل دستگیری باید ارادی و از روی میل باشد و در غیر این صورت، مثل اینکه در خارج از کشور دستگیر شده و با اجبار به کشور آورده شود، محاکم این کشور صالح برای رسیدگی به جرم او نخواهند بود.^{۲۳} در واقع «می‌توان گفت که منطبق الزام حضور متهم، پیوند بزه با دولت است که قوانین کیفری خود را بر رفتار مجرم مربوطه تعمیم می‌دهد و بنابراین، علاقه دولت را به موضوع مورد نظر توجیه می‌کند.»^{۲۴}

سوم، وجود عهدنامه‌ای بین‌المللی مبنی بر جرم بین‌المللی بودن رفتار و الحاق دولت به آن. در غیر این صورت، دولت محل دستگیری نمی‌تواند مدعی صلاحیت جهانی بر شخصی باشد که او را در قلمرو خود دستگیر نموده است. چهارم، مجرمانه بودن رفتار در کشور محل دستگیری. این شرط بر مبنای اصل قانونی بودن جرایم و مجازات‌ها است. این جرم بودن عمل، ممکن است پیش از الحاق دولت به عهدنامه باشد و یا پس از الحاق دولت به عهدنامه. و قید پنجم، عدم رسیدگی قبلی. چنانچه مرتکب در کشور محل وقوع جرم، محاکمه و تبرئه شده باشد و یا در صورت محاکمه، محکومیت کیفری حاصل کرده باشد، به واسطه حاکمیت قاعده منع محاکمه مجدد، امکان تعقیب و محاکمه مجدد وی در ایران وجود نخواهد داشت.^{۲۵}

۲. ماده ۹ قانون مجازات اسلامی چه می‌گوید؟

تدوین‌کنندگان طرح، با استناد مکرر به ماده ۹ قانون مجازات اسلامی، صلاحیت جهانی را به منزله تنها مبنای صلاحیتی در نظر گرفته‌اند و نه فقط یکی از مبانی صلاحیتی. اهمیت حقوقی این موضوع، از آن جهت است که دادگاه‌هایی که صلاحیت فراسرزمینی را اعمال می‌کنند غالباً به دو دلیل قضایی و یا بیشتر استناد می‌نمایند.^{۲۶}

۲۲. حسن پوربافرانی، پیشین، ۱۳۳-۱۳۹.

۲۳. سمیر عالی، قانون العقوبات القسم العام (بیروت: موسسه الجامعية للدراسات و النشر و التوزیع، ۱۹۹۲)، ۱۲۶؛ به نقل از همانجا.

24. Ana Srovin Coralli, "Universal jurisdiction: Time to revisit the basics", Questions of International Law, zoom-in, 105(2024), 43.

۲۵. سیدمهدی حجتی، «مروری بر تحولات قلمرو قوانین کیفری در مکان در حقوق ایران با تأکید بر قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲»، در دانشنامه حقوق کیفری و جرم‌شناسی، نکوداشت خانم دکتر سیلویا تلنباخ، به اهتمام منصور رحمدل و تهمورث بشیریه (تهران: نشر گام‌حق، ۱۳۹۵)، ۲۸۸.

۲۶. دایان اورنتلیچر، پیشین، ۱۷۳. برای مثال، اعمال صلاحیت شخصی مبتنی بر تابعیت مجنی علیه یا صلاحیت واقعی، در کنار صلاحیت جهانی. لذا آن‌گونه که خواهیم گفت، ماده ۱۸ طرح پیشنهادی، امکان اعمال سایر صلاحیت‌های فراسرزمینی را در خصوص جرایم مندرج در طرح، سلب نموده است.

بنابه ادعای اکثر نویسندگان، ماده ۹ قانون مجازات اسلامی، ناظر به صلاحیت قضایی جهانی (یا اصل جهان‌شمولی) است. حکم این ماده چنین است: «مرتکب جرائمی که به موجب قانون خاص یا عهدنامه‌ها و مقررات بین‌المللی در هر کشوری یافت شود در همان کشور محاکمه می‌شود، اگر در ایران یافت شود طبق قوانین جزایی جمهوری اسلامی ایران محاکمه و مجازات می‌گردد.» نخستین پیام ماده مذکور، اظهار حق وضع قانون خاص ناظر به صلاحیت قوانین کیفری، نسبت به جرایمی است که توسط بیگانه علیه بیگانه در بیرون از کشور ارتکاب یافته و در ایران یافت شده است. دومین پیام، شرط یافت شدن مرتکب در کشور است که شبهه صلاحیت جهانی مطلق را در این ماده مرتفع ساخته و قید چنین شرطی در مقررۀ ناظر بر صلاحیت، دلالت ضمنی بر محدودیت دولت در اجرای این صلاحیت قضایی می‌کند.

بر مبنای این ماده، دو رکن برای اعمال صلاحیت جهانی و رسیدگی به جرایم بین‌المللی^{۳۷} و محاکمه مرتکب، شرط دانسته شده است:

نخست، قانون خاص یا عهدنامه و مقررات بین‌المللی^{۳۸} چنین اجازه‌ای را داده باشند و دولت ایران به عهدنامه‌هایی که در این زمینه وجود دارد ملحق شده باشد؛^{۳۹} زیرا اعمال صلاحیت جهانی، در واقع، اجرای تعهدات بین‌المللی است^{۴۰} و اکثر کشورها تنها زمانی مبادرت به اعمال صلاحیت جهانی می‌کنند که به‌طور رسمی و از طریق یک معاهده، ملزم به اعمال صلاحیت جهانی شده باشند.

دوم، دولت ایران باید برای جرایم بین‌المللی موضوع این عهدنامه‌ها، مجازات وضع کرده باشد.^{۴۱} عبارت «... طبق قوانین جزایی جمهوری اسلامی ایران محاکمه و مجازات می‌گردد» مؤید این برداشت است. اغلب معاهدات پیش‌بینی‌کننده این جنایات، فقط به جرم‌انگاری این جرایم پرداخته‌اند و نحوه رسیدگی و مجازات آنها را بر عهده دولت‌ها گذارده‌اند. به همین دلیل لازم است که دولت‌ها ضمن جرم‌انگاری جنایات بین‌المللی در قوانین خود، مجازات‌های مرتبط با هریک از آنها را نیز تعیین کنند.^{۴۲} بنابراین، پاسخ به این سوال که آیا دادگاه‌های ایران می‌توانند واجد صلاحیت رسیدگی به جرایم بین‌المللی باشند، مثبت است، البته مشروط به شروط پیش‌گفته؛ یعنی اولاً، تصویب عهدنامه توسط مجلس شورای اسلامی و ثانیاً، اینکه عمل مورد بحث در قانون کیفری ایران وصف مجرمانه باشد. به عبارت دیگر، به‌صرف وجود ماده ۹ قانون مجازات اسلامی، ایران، واجد صلاحیت جهانی نیست بلکه علاوه بر آن، دولت ایران باید به قراردادهای بین‌المللی‌ای که برای تعقیب، محاکمه و مجازات مجرمان بین‌المللی تنظیم شده‌اند ملحق شده باشد. در واقع، دولت ایران در مواردی که به معاهده‌های بین‌المللی ملحق شود، چنین

۲۷. اعم از ذاتی و قراردادی.

۲۸. فرانسه، موضعی متفاوت از ایران دارد و در حقوق این کشور، صلاحیت جهانی مبتنی بر مقررات بین‌المللی مشترک تعیین نشده است: Code penal Art. 113-2; Art. 113-6; Art. 113-7; Art. 113-10.

۲۹. خواهیم گفت که بلژیک، صلاحیت جهانی مستقلی را خارج از هرگونه تعهد بین‌المللی ایجاد کرده بود.

Voir: Clara Roÿen, "La compétence extraterritoriale: la loi modifiant la procédure pénale du 9 avril 2024 et celle introduisant le Code pénal du 29 février 2024 répondent-elles aux critiques formulées à l'encontre des anciennes dispositions?" (Master mém., Liège université, 2024), 20.

۳۰. ابراهیم بیگزاده، بایسته‌های حقوق بین‌الملل (تهران، نشر میزان، ۱۴۰۳)، ۲۵۷.

۳۱. حسن پوریافرانی، پیشین، ۲۰۱.

۳۲. ابراهیم بیگزاده، پیشین، ۲۵۶. در پرونده «حیسن هابره»، رئیس‌جمهوری سابق چاد، گفته شده است از آنجا که حقوق کیفری، روی آزادی افراد تأثیر می‌گذارد، انتقال تعهدات مذکور در کنوانسیون‌ها به حقوق داخلی، نیازمند تدوین در گد کیفری است. حتی حقوق بین‌الملل عرفی نیز نمی‌تواند بدون اینکه در مقررات قانونی و مدون وارد شده باشد مورد استناد قرار گیرد. نک: معصومه سادات میرمحمدی، «موانع پیش‌روی دادگاه‌های ملی در تعقیب جنایات بین‌المللی بر مبنای معیار صلاحیت جهانی»، پژوهش‌های حقوق جزا و جرم‌شناسی، ۱، ۱ (۱۳۹۲)، ۱۰۸.

صلاحیتی را دارا می‌شود.^{۳۳} در این راستا، بیانیه نمایندۀ جمهوری اسلامی ایران پیش از شروع ششمین جلسه کمیته مجمع عمومی سازمان ملل متحد در مورد «حوزه و کاربرد اصل صلاحیت جهانی»، مُشعر بر اینکه «... اصل صلاحیت سرزمینی کلید برابری حاکمیتی کشورهاست و صلاحیت جهانی جایگزین سایر مبانی قضایی نخواهد شد و فقط در مورد مهم‌ترین جنایات مطرح می‌شود [...] علاوه بر این، نمی‌توان آن را به تنهایی یا به استثنای سایر قواعد و اصول مرتبط با حقوق بین‌الملل از جمله حاکمیت دولت و تمامیت ارضی دولت‌ها اعمال کرد»،^{۳۴} نشان از موضع روشن ایران در قبال اصل صلاحیت جهانی دارد. موضعی که از یک‌سوی، صلاحیت جهانی را یک استثنای مبتنی بر معاهده در اعمال صلاحیت کیفری ملی می‌داند و از سوی دیگر و با توجه به سیاق ماده ۹ قانون مجازات اسلامی، صلاحیت جهانی مشروط را پذیرفته است.^{۳۵}

به‌طور کلی، قراردادهای بین‌المللی، یا در مورد ماهیت و میزان مجازات، حکم خاصی ندارند که در این صورت، تعیین مجازات بر عهده کشور محاکمه‌کننده گذارده شده است، یا خود عهدنامه، مجازات را تعیین کرده است که در این صورت، کشور محاکمه‌کننده ملزم به پیروی از آن خواهد بود.^{۳۶} در هر حال، این معاهده است که تعیین می‌کند چه رفتاری جرم بین‌المللی است، و دولت‌ها اختیاری در تعیین مصادیق ندارند. به بیان دقیق‌تر، دولت‌ها موظفند این تعاریف را رعایت نمایند و نمی‌توانند به‌طور مستقل، رفتاری را که در معاهده‌ای جرم‌انگاری نشده است، جرم بین‌المللی اعلام کنند. پس، معاهدات به‌عنوان منبع اصلی تعیین مصادیق جرایم بین‌المللی عمل می‌کنند و به‌طور مستقیم، نوعی صلاحیت جهانی اجباری برای هریک از دولت‌ها ایجاد می‌نمایند که باید بر اساس آن به تعقیب متهمان بپردازند.^{۳۷} لذا برداشت دولت‌ها از قرارداد اهمیتی ندارد بلکه عین جرم‌انگاری اعمال مندرج در معاهدات است که ضرورت دارد. در نتیجه، تنها زمانی می‌توان از اعمال صلاحیت جهانی ایران سخن گفت که محاکم ایران، صلاحیت خود را برای رسیدگی به جرایم بین‌المللی، از یک قرارداد بین‌المللی کسب کرده باشند، نه از یک قانون داخلی.^{۳۸}

از پرسش و پاسخ مطروحه، این ضرورت حاصل می‌شود که باید تمامی مصادیق جرم‌انگاری شده در طرح پیشنهادی، با مواردی که در معاهدات آمده است تطبیق داده شوند. چه اینکه اگر رفتاری در طرح پیشنهادی به‌عنوان جرم بین‌المللی، پیش‌بینی شده باشد که پیش‌تر در معاهده‌ای مورد اشاره قرار نگرفته است، تخلف از قواعد صلاحیت جهانی محسوب شده و با مقررات حقوق بین‌الملل و ماده ۹ قانون مجازات اسلامی منافات دارد.^{۳۹} این ضرورت، دارای اهمیت است. لذا به‌عنوان نمونه، به دو مورد تخلف از قواعد صلاحیت جهانی در طرح پیشنهادی در این باره اشاره می‌شود:

۳۳. حسن پوربافرانی، پیشین، ۲۰۲. در این مقام، تذکر یک نکته لازم است و آن اینکه، همواره چنین نیست که ایران بایستی به معاهده‌ای ملحق شود تا امکان تعقیب و محاکمه متهمان به جرایم مذکور را در دادگاه‌های خود بیابد بلکه، امکان استناد به برخی معاهدات و کنوانسیون‌های بین‌المللی برای تعقیب و محاکمه مظنونان وجود دارد هر چند ایران (یا هر دولت مدعی صلاحیت) به آن نیویسته باشد. این گونه معاهدات، که از آنها به معاهدات قانون‌ساز یا عام تعبیر می‌شود، موجب قواعد حقوقی عام بین‌المللی هستند و در حکم قوانین بین‌المللی به‌شمار می‌آیند و رعایت آنها برای تمامی کشورها و سازمان‌های بین‌المللی، اعم از متعاقد و غیرمتعاقد، لازم است؛ محمدرضا ضیایی بیگدلی، حقوق بین‌الملل عمومی (تهران: انتشارات گنج‌دانش، ۱۴۰۳)، ۸۳. البته فقط کنوانسیون‌های ژنو مصوب ۱۲ آگوست ۱۹۴۹ و پروتکل‌های الحاقی به آن، واجد این خصیصه دانسته شده‌اند:

Chris Ingelse, *The UN Committee Against Torture: An Assessment* (Lieden: brill publisher, 2021), 124.

34. Statement by H.E. Mr. Abbas Bagherpour Ardekani Representative of the Islamic Republic of Iran Before the Sixth Committee of the 72 Session of the United Nations General Assembly On: "The scope and application of the principle of universal jurisdiction" (Agenda Item 85) New York, 11 October 2017.

۳۵. زرشنان، شهرام، و سیدحسین میرجعفری و سمانه رحمتی فر. پیشین، ۱۶۷۱.

۳۶. حسن پوربافرانی، پیشین، ۱۹۴.

۳۷. رنجبریان، امیرحسین، «قانون ۱۹۹۳-۱۹۹۹ بلژیک، رأی ۱۴ فوریه ۲۰۰۲ دیوان بین‌المللی دادگستری، صلاحیت کیفری جهانی در بوته آزمون»، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، ۵۸، ۰ (۱۳۸۱)، ۱۳۳.

۳۸. حسن پوربافرانی، پیشین، ۲۰۱. برای مثال، اعمال صلاحیت جهانی در دانمارک طبق ماده ۵(۸) قانون کیفری، مشروط به انطباق با حقوق بین‌الملل است. "af straffeloven" (Danish), last modified July 7, 2014, <https://www.retsinformation.dk/eli/ta/2014/871>

۳۹. حسن پوربافرانی، پیشین، ۱۹۵.

ناپدیدسازی اجباری در بند ۶ ماده ۴ طرح پیشنهادی به‌عنوان یک جرم بین‌المللی بیان شده است، در حالی که ایران، «کنوانسیون حمایت از همه افراد در برابر ناپدیدسازی اجباری مصوب ۲۰ دسامبر ۲۰۰۶ میلادی» مجمع عمومی سازمان ملل متحد را، نه تأیید و نه امضا کرده است؛ لذا جرم‌انگاری آن و به‌تبع، ایجاد صلاحیت برای محاکم داخلی به‌منظور رسیدگی به آن، برخلاف حقوق بین‌الملل و ماده ۹ قانون مجازات اسلامی است. یا برای جنایات علیه بشریت، تاکنون هیچ معاهده بین‌المللی مستقلی تصویب نشده است تا به‌طور مشخص، تعهدات دولت‌ها برای مجازات جنایات علیه بشریت را برشمرد. پیش‌نویس قانون جرایم علیه صلح و امنیت بشری که در ۱۹ ژوئن ۱۹۹۱ میلادی به‌تصویب کمیسیون حقوق بین‌الملل سازمان ملل متحد رسیده، و یا پیش‌نویس درباره مواد مربوطه منع و مجازات جنایات علیه بشریت در ۲۰۱۹ میلادی، و یا پیش‌نویس معاهده بین‌المللی دیگری در این باره که در ۲۲ نوامبر ۲۰۲۴ میلادی در اجلاس سالانه کمیته ششم مجمع عمومی مورد توافق گرفته است،^{۴۰} هیچ‌یک لازم‌الاجرا نیستند و نباید مرجع قرار گیرند.

بررسی مختصر قوانین بلژیک و فرازونشیب‌های فراروی آن در مرحله عمل و در نهایت، سرنوشت قوانین مزبور، نشان می‌دهد که چگونه ده‌سال رؤیای بلژیک در اعمال صلاحیت جهانی نسبت به جرایم بین‌المللی به یأس مبدل شد و کارنامه موفق از اجرای این قوانین برجای نماند. در بخش سوم، به تغییراتی که طی ده‌سال اعمال صلاحیت جهانی مطلق در بلژیک رخ داده است می‌پردازیم.

۳. تجربه بلژیک در اعمال صلاحیت قضایی جهانی مطلق

بلژیک با تلاش‌هایی که برای تدوین مقررات داخلی در زمینه حقوق بشردوستانه بین‌المللی از ۱۹۵۲ میلادی طی فرمان ۳۱ اکتبر شروع کرده بود، در ۱۶ ژوئن ۱۹۹۳ و ۱۰ فوریه ۱۹۹۹ میلادی، اقدام به تصویب قوانینی نمود که آن کشور را در صف مقدم مبارزه با جرایم بین‌المللی قرار داد. تصویب قوانین در مورد صلاحیت جهانی برای رسیدگی به جرایم جنگی، جرایم علیه بشریت و نسل‌زدایی، بلژیک را در موقعیتی ممتاز در مبارزه با جرایم بین‌المللی و مورد تمجید و حمایت سازمان‌های بین‌المللی مدافع حقوق بشر قرار داد و رسانه‌های خبری سراسر دنیا به‌انعکاس وسیع مقررات این قوانین و جریان تعقیب قضایی پرونده‌های مربوط به آن پرداختند.^{۴۱}

۳-۱. پرواز به سوی یک آرمان شهر؛ قانون ۱۶ ژوئن ۱۹۹۳ و قانون ۱۰ فوریه ۱۹۹۹ میلادی
قانون جزای بلژیک مصوب ۸ ژوئن ۱۸۶۷ میلادی، سرزمینی بودن قوانین کیفری بلژیک را مورد شناسایی قرار داده و اجرای قوانین نسبت به جرایم ارتكابی در خارج از کشور را امری استثنایی تلقی نموده بود.^{۴۲} تا اینکه در ۱۹۸۶ میلادی، قانون‌گذار بلژیکی با افزودن ماده ۱۲ مکرر به فصل مقدماتی قانون آیین دادرسی کیفری، صلاحیت جهانی را به‌طور محدود و ناظر بر مواردی نظیر جرایم مربوط به حفاظت از مواد هسته‌ای (موضوع کنوانسیون ۱۹۸۰ میلادی وین) پذیرفت. سپس به‌منظور انعکاس موارد نقض حقوق بشردوستانه بین‌المللی به‌شرح پیش‌بینی‌شده در کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو مصوب ۱۹۴۹ میلادی و پروتکل‌های الحاقی به آن مصوب ۱۹۷۷ میلادی و تعیین مجازات برای آنها و فراهم‌نمودن زمینه اعمال صلاحیت جهانی نسبت به این جرایم، قانونی خاص در ۱۶ ژوئن ۱۹۹۳ میلادی تصویب شد.

40. Sixth Committee, Upholding Tradition of Consensus in Historic Meeting, Approves Text to Begin Elaborating International Convention on Crimes Against Humanity, Meetings Coverage and Press Releases, 22 November 2024.

۴۱. علی خالقی، «بلژیک و پایان ده‌سال رؤیای صلاحیت جهانی در جرائم بین‌المللی». پژوهش‌های حقوقی، ۳، ۶ (۱۳۸۳)، ۱۱-۱۳.

42. Christian Hennau et Jacques Verhaegen, Droit pénal general (Bruxelles: Bruyant, 1995), 77.

قانون ۱۶ ژوئن ۱۹۹۳ میلادی، برخی اعمال مندرج در کنوانسیون‌های مربوطه را جنایت جنگی تلقی و برای آن مجازات تعیین نمود. این قانون به جرایمی نظیر نسل‌زدایی و جرایم علیه بشریت تسری نمی‌یافت تا اینکه به موجب قانون ۱۰ فوریه ۱۹۹۹ میلادی اصلاح گردید و اعمال معینی به عنوان دو جرم مستقل جنایت علیه بشریت و نسل‌زدایی تعیین شدند.^{۴۳}

۲-۳. افول یک آرمان، فرود به زمین؛ رأی ۱۴ فوریه ۲۰۰۲ میلادی دیوان بین‌المللی دادگستری پس از وقوع جنایات ۱۹۹۴ میلادی در رواندا،^{۴۴} شماری از اتباع این کشور به بلژیک مهاجرت کردند و همین امر سبب طرح شکایاتی از سوی آنان در دادگاه‌های بلژیک شد و تحقیقات مقدماتی در ۲ مارس ۱۹۹۵ میلادی در بروکسل آغاز گردید.^{۴۵} یکی از افرادی که به اتهام جنایات جنگی و جنایت علیه بشریت در بلژیک تحت تعقیب قرار گرفت «عبدالایه یروودیا»،^{۴۶} وزیر امور خارجه وقت کنگو بود که پرونده اتهامی او در ۱۱ آوریل ۲۰۰۰ میلادی، منجر به صدور حکم جلب بین‌المللی وی توسط بازپرس بروکسل شد. در پی انتشار این حکم، تنش شدیدی در روابط دو کشور پدید آمد و منتهی به اقامه دعوی از جانب کنگو علیه بلژیک در ۱۷ اکتبر همان سال در دیوان بین‌المللی دادگستری، با ادعای نقض مصونیت قضایی وزیر امور خارجه کنگو شد، چون بدیهی بود که کشورهای خارجی، اجازه حمله به رهبران خود را، به بلژیک نمی‌دادند.^{۴۷}

دیوان در ۱۴ فوریه ۲۰۰۲ میلادی، با پذیرش دعوی کنگو، اعلام نمود که^{۴۸} بلژیک با صدور حکم جلب و انتشار آن در سطح بین‌المللی، الزامات قانونی مبنی بر رعایت مصونیت قضایی وزیر امور خارجه در حال اشتغال را که بر طبق حقوق بین‌الملل از آن برخوردار است، نقض نموده است.^{۴۹} به عبارت بهتر، محکومیت بلژیک توسط دیوان بین‌المللی دادگستری، ثابت کرد که جامعه بین‌المللی با این ایده‌ها موافقت کامل ندارد و نشان داد که عرف بین‌المللی نیز بیش از پیش به سمت صلاحیت جهانی مطلق گرایش دارد.^{۵۰}

پس از رأی دیوان، اجرای قوانین صلاحیت جهانی در بلژیک، سبب ایجاد تنش‌های بیشتری در روابط سیاسی این کشور با کشورهای دیگر شد که به تهدیدها و اعمال فشارهایی علیه بلژیک برای تغییر در قوانین یادشده تبدیل گردید. در این شرایط، قانون‌گذار بلژیک، دست به اصلاحاتی زد و قانون ۲۳ آوریل ۲۰۰۳ میلادی را به تصویب رسانید که به موجب آن، محدودیت‌هایی در اعمال صلاحیت جهانی دادگاه‌های بلژیک ایجاد گردید.

گفتنی‌ست که برخی از قضات دیوان بین‌المللی دادگستری، به ارائه نظرات جداگانه در مورد موضوع پرداختند. از جمله «جی. گیوم»، رئیس دیوان، معتقد بود که «هیچ کنوانسیون صلاحیت یک کشور را برای [محاکمه] اعمال ارتكابی در خارج از کشور، توسط بیگانگان علیه بیگانگان، در صورتی که مرتکب ادعایی در قلمرو کشور مورد نظر یافت نشده باشد، پیش‌بینی نکرده است. لذا بلژیک باید به انطباق صلاحیت جهانی با حقوق بین‌الملل بپردازد.»^{۵۱} پس، اصل کلی، همچنان سرزمینی بودن

۴۳. علی خالقی، پیشین، ۱۶-۱۴.

۴۴. که به موجب قطعنامه شماره ۹۵۵ شورای امنیت مورخ ۸ نوامبر ۱۹۹۴ میلادی، منجر به تأسیس دادگاه بین‌المللی ویژه‌ای گردید.

45. Damien Vandermeersch, "La repression en droit Belge des crimes de droit international", *Internationale de Droit Penal*, 68, 3-4(1997), 1121.

46. Abdoulaye Yerodia Ndongbasi.

47. Pierre d'Argent, "Les nouvelles règles en matière d'immunités selon la loi du 5 août 2003", *Jura Falconis Jg*, 40, 1(2003-2004), 74.

48. C.I.J. "Affair du mandate d'arrêt du 11 Avril 2000", RDC c. Belgique, Arrêt du 14 février 2002, Recueil. 2002.

۴۹. علی خالقی، پیشین، ۲۱-۲۲.

50. Antonio Cassese, "Peut-on poursuivre des hauts dirigeants des États pour des crimes internationaux? À propos de l'affaire Congo c/ Belgique (C.I.J.)", *Revue de science criminelle et de droit penal comparé*, 3(2002), 484-487.

51. G. GUILLAUME, *opinion individuelle sous C.I.J., affaire relative au mandat d'arrêt du 11 avril 2000 (République démocratique du Congo c. Belgique)*, 14 février 2002, 35-40.

است و کنوانسیون‌های ژنو که هر کشوری را ملزم به پیگرد قانونی یا استرداد متهمان می‌کند، این اصل را مشروط به حضور متهم در قلمرو کشور مربوطه دانسته است.

۳-۳. پایان امیدها؛ قانون ۵ اوت ۲۰۰۳ میلادی

در ادامه تحولات قوانین بلژیک، سرانجام ماده ۲۷ قانون ۵ اوت ۲۰۰۳ میلادی، به قانونی که برای به کیفر رساندن مرتکبان مهم‌ترین جرایم بین‌المللی در جهان تصویب شده و بازتاب وسیعی نیز در سطح جهانی داشت، خاتمه داد و صریحاً اعلام نمود که «قانون ۱۶ ژوئن ۱۹۹۳ میلادی با اصلاحات ۱۰ فوریه ۱۹۹۹ و ۱۰ آوریل و ۲۳ آوریل ۲۰۰۳ میلادی نسخ می‌گردد» و کشور بلژیک که بدون تردید به‌عنوان پایتخت صلاحیت جهانی دنیا شناخته می‌شد، ناچار به اصلاح و نسخ صلاحیت جهانی موسع خود و بازگشت به حوزه محدودتر در این زمینه گردید.^{۵۲}

مطابق قوانین فعلی، مقامات بلژیکی در صورتی می‌توانند صلاحیت خویش را بر جنایات بین‌المللی اعمال نمایند که مرتکبان آنها، اتباع و یا مقیم (اگرچه بعد از وقوع جرم) باشند، و یا قربانیان این جنایات، بلژیکی بوده یا از زمان ارتکاب جرم به مدت حداقل سه سال در این کشور زندگی کرده باشند.^{۵۳} در واقع بلژیک به‌نوعی صلاحیت شخصی مبتنی بر تابعیت مرتکب یا قربانی را اعمال می‌کند.^{۵۴}

۴. تحلیل مواد ۱۸ و ۱۹ طرح پیشنهادی، در سنجه صلاحیت قضایی جهانی، و ماده ۹ قانون مجازات اسلامی، و تجربه بلژیک

تا اینجا از مجموع مباحث مطروحه، نگارنده در وهله نخست و با ارزیابی واقعیات معقول حقوق معاصر، راهبرد عمل‌گرایانه در کاربست صلاحیت جهانی را این دیدگاه می‌داند که «با لازم‌الاجرا شدن عهدنامه رم مورخ ۱۷ ژوئیه ۱۹۹۸ میلادی، که در واقع اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری است و تشکیل و راه‌اندازی آن دیوان، رسیدگی به برخی از جرایم بین‌المللی در صلاحیت دیوان مذکور قرار گرفته است.»^{۵۵} در واقع، تعهدات عام‌الشمول دولت‌ها مبنی بر اینکه به مرتکبین جرایم فجیع بین‌المللی، مصونیت بی‌کیفری اعطا نکنند در تأسیس دیوان بین‌المللی کیفری تبلور یافته است و محاکم دولت ثالث، بر مبنای صلاحیت جهانی، امکان رسیدگی به نسل‌زدایی، جنایت علیه بشریت و جنایت جنگی را ندارند. نگارنده، افزون بر صلاحیت دادگاه بین‌المللی کیفری، قائل به صلاحیت محاکم ملی بر مبنای صلاحیت‌های سرزمینی، شخصی، مبتنی بر تابعیت مجنی‌علیه و واقعی، در رسیدگی به سه جرم مذکور (با حصول دیگر شرایط) است و این دیدگاه را کاملاً منطبق با اولویت دادگاه‌های ملی در رسیدگی به جرایم بین‌المللی می‌داند^{۵۶} که البته منظور از دولت، دولت ثالث (خارجی) نیست. این دیدگاه، از تقارن و تعارض صلاحیت بین دولت‌ها، که به دلیل عدم وجود قواعد خاص برای جلوگیری از تقارن صلاحیت‌های سرزمینی، شخصی، مبتنی بر تابعیت

۵۲. دایان اورنتلیچر، پیشین، ۱۶۲.

53. Antoine-Laurent Cambon, "La compétence universelle en droit belge: histoire troublée d'une brève utopie juridique", (Master mém., Université de Leyde, 2018), 29.

54. Olivier Corten, "De quel droit? Place et fonction du droit comme registre de légitimité dans le discours sur la compétence universelle", *Annales de Droit de Louvain*, 64, 1-2(2004), 51.

۵۵. محمدرضا ضیائی بیگدلی، پیشین، ۱۸۲. «محمد شریف بسپونی» نیز بر دیدگاه مضیق مطرح در نظریه مخالفین اصل صلاحیت جهانی، صخه گذارده است؛ دایان اورنتلیچر، پیشین، ۱۶۴.

56. Mitsue Inazumi, *Universal Jurisdiction in Modern International Law: Expansion of National Jurisdiction for Prosecuting Serious Crimes under International Law* (Cambridge: Intersentia, 2005), 46.

مجنی علیه و واقعی، با صلاحیت جهانی حادث می شود جلوگیری می نماید؛ چه اینکه، حقوق بین الملل در این مورد، اولویتی برای هیچ یک از صلاحیت ها قائل نیست.^{۵۷} همچنین این دیدگاه، با صلاحیت تکمیلی دیوان بین المللی کیفری نیز در تعارض نیست. زیرا براساس اصل صلاحیت تکمیلی، دیوان، زمانی اعمال صلاحیت خواهد کرد که دولت ها ناتوان از اعمال صلاحیت بوده یا تمایلی به انجام چنین امری نداشته باشند. همان طور که مواد ۱۲ و ۱۷ اساس نامه رم مقرر داشته است اگر دعوا در جریان تحقیق یا تعقیب توسط دولت صلاحیت دار باشد، دیوان حق پذیرش دعوا را ندارد مگر اینکه دولت به صورت صادقانه ای ناتوان یا بی میل نسبت به انجام تحقیقات یا تعقیب باشد. در واقع، دیوان دارای این اختیار است که به احراز معیارهای تعیین شده در عملکرد دادگاه های ملی پردازد.^{۵۸} به چنین حقی به اصطلاح، صلاحیت دادگاه بین المللی نسبت به اتباع دولت های غیرعضو اطلاق می شود.^{۵۹} به بیان دقیق تر، دیوان یک نهاد بین المللی مستقل و مجزاست و مرجع نهایی است که تعیین می کند آیا دولت سرزمینی یا دولت خارجی (در راستای اعمال اصل صلاحیت جهانی) با حسن نیت و صادقانه دعوا را مورد رسیدگی قرار داده است یا خیر. اگر دیوان تشخیص دهد که اعمال صلاحیت دادگاه ملی، صادقانه و با حسن نیت صورت نگرفته است، حتی در صورت اعتراض و مخالفت آن دولت، دیوان اعمال صلاحیت خواهد کرد. بنابراین، در صورت اختلاف صلاحیت بین دیوان و دولت صلاحیت دار سرزمینی (و دولت ثالث در همان مسأله خاص)، دیوان نسبت به آن دادگاه ها، حق تقدم در رسیدگی داشته و ادعاهای دولت ها را کنار گذاشته و خود مبادرت به اعمال صلاحیت و رسیدگی خواهد کرد.^{۶۰} بنابراین، اصل صلاحیت جهانی، مکمل تحقق عدالت کیفری بین المللی بوده و صلاحیت دادگاه بین المللی کیفری را تکمیل می کند.^{۶۱} در وهله دوم، بر فرض پذیرش صلاحیت محاکم ملی برای رسیدگی به سه جرم حقوق بشری مذکور (اعم از دولت سرزمینی یا دولت خارجی در راستای اعمال اصل صلاحیت جهانی)، در راستای آنچه در مقدمه اساسنامه دیوان بین المللی کیفری در خصوص صلاحیت تکمیلی دیوان و اولویت محاکم ملی آمده است، این رسیدگی باید در چارچوب الزامات و مختصات صلاحیت جهانی مطلق باشد.

باری، ماده ۱۸ طرح پیشنهادی بیان می دارد، «جرایم موضوع این قانون از حیث صلاحیت، مشمول ماده ۹ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ می باشند، به جز جرم تجاوز که محاکم ایران در صورتی به آن رسیدگی خواهند کرد که جرم مذکور علیه دولت ایران واقع شده باشد». ماده ۱۹ طرح پیشنهادی إشعار می دارد، «محاکم جمهوری اسلامی ایران می توانند براساس صلاحیت مندرج در ماده ۹ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ متهم یا متهمین به ارتکاب هریک از جرائم این قانون را، حتی اگر در ایران یافت نشوند محاکمه غیابی نمایند».^{۶۲} در ادامه، به تحلیل این دو ماده، در تطبیق با الزامات صلاحیت قضایی جهانی و ماده ۹ قانون مجازات اسلامی، و دریافت های برآمده از تجربه بلژیک می پردازیم.

۵۷. ابراهیم بیگزاده، پیشین، ۲۵۸.

58. Lu Jianping and Wang Zhixiang, "China's Attitude towards the ICC", Journal of International Criminal Justice, 3, 3(2005), 611.

59. Morris Madeline, "The Democratic Dilemma of the International Criminal Court", Buffalo Criminal Law Review, 5(2002), 593.

60. Ibid, 594.

۶۱. شهرام زرنشان و سیدحسین میرجعفری و سمانه رحمتی فر. پیشین، ۱۶۵۴. اصلاح، ارتقا و هماهنگی نظام های کیفری ملی از اهداف ضمنی اساس نامه دیوان است.

۶۲. به تبصره های ۱ و ۲ ماده ۱۸ طرح پیشنهادی، بیشتر به دلیل عدم ارتباط با موضوع اصلی این مقاله، پرداخته نمی شود. فقط اینکه، تبصره ۲ ماده ۱۸ در خصوص قلمرو اجرای مقررات کیفری در زمان است و إشعار می دارد «محاکم ایران به جرایم ارتكابی قبل از تصویب مفاد این قانون در صورتی که اعمال مجرمانه مزبور براساس معاهدات بین المللی که دولت ایران عضو آنها بوده، جرم بین المللی شناخته می شود، صالح به رسیدگی خواهند بود.» بدیهی است که مفاد این تبصره، برخلاف منطوق ماده ۱۰ قانون مجازات اسلامی و در تعارض کامل با اصل حاکمیت قانون، و ناقض اصل قانونی بودن جرم و مجازات است. خصوصاً اینکه فقط صلاحیت دادگاه های بین المللی کیفری «موردی» است که متوجه جنایاتی بوده که «قبل» از تشکیل آنها ارتکاب یافته اند و مقررات شکلی و ماهوی اساس نامه دیوان بین المللی کیفری نیز دلالت بر اعمال مقررات آن در مورد جنایاتی دارد که «پس از» لازم الاجرا شدن اساس نامه واقع می شوند.

۴-۱. در سنجۀ الزامات ماده ۹ قانون مجازات اسلامی

۴-۱-۱. نخستین نکته اینکه، بخش اول ماده ۱۸ طرح پیشنهادی، مُشعر بر اینکه «جرایم موضوع این قانون از حیث صلاحیت، مشمول ماده ۹ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ می‌باشند»، ناظر بر صلاحیت قضایی جهانی است، اما بخش دوم این ماده با این بیان که «به جز جرم تجاوز که محاکم ایران در صورتی به آن رسیدگی خواهند کرد که جرم مذکور علیه دولت ایران واقع شده باشد»، ناظر به صلاحیت قضایی سرزمینی است و از صلاحیت قضایی جهانی، خروج موضوعی دارد. به این دلیل که: نخست، جرم تجاوز در ایران واقع شده است، پس مطابق ماده ۳ قانون مجازات اسلامی، قوانین جزایی ایران درباره کلیۀ اشخاصی که در قلمرو حاکمیت جمهوری اسلامی مرتکب جرم شوند اعمال می‌شود^{۶۳} و دادگاهها مطابق صلاحیت قضایی سرزمینی، و نه صلاحیت جهانی، به آن رسیدگی می‌کنند. لذا ارجاع به ماده ۹ قانون مجازات اسلامی در خصوص جنایت تجاوز، دارای اشکال است.

دوم، صلاحیت جهانی از اصول تکمیلی صلاحیت سرزمینی است، و هنگامی یک کشور از صلاحیت جهانی استفاده می‌کند که مطابق دیگر اصول صلاحیتی، صلاحیت رسیدگی نداشته باشد. بنابراین، صلاحیت جهانی در جایی قابل اعمال است که سایر اصول صلاحیت قابل اعمال نباشند. به همین دلیل گفته شده است که «بهتر است کشور محل دستگیری، مجرم را به کشوری که از صلاحیت عالی تری مثل صلاحیت سرزمینی یا واقعی یا شخصی یا مبتنی بر تابعیت مجنی علیه برخوردار است تحویل دهد و در صورت عدم تحویل، می‌تواند به استناد اصل صلاحیت جهانی به رسیدگی بپردازد»^{۶۴}. سوم، وقوع جرم در خارج از قلمرو حاکمیت کشور، اولین شرط اعمال صلاحیت قضایی جهانی است که با وجود این شرط، اعمال صلاحیت در مورد جنایت تجاوز منتفی است.

و چهارم، شرط اعمال صلاحیت دادگاههای داخلی در مورد جنایت تجاوز، احراز تجاوز است که ماده ۳۹ منشور ملل متحد و تفاهم چهارم و پنجم در پیوست سوم قطعنامه کنفرانس بازنگری کامپالا مصوب ۲۰۱۰ میلادی، احراز را در صلاحیت شورای امنیت قرار داده‌اند. این دو تفاهم، خواستار جلوگیری از ایجاد مشروعیت برای صلاحیت دادگاههای داخلی کشورها در رسیدگی به جنایت تجاوز است.^{۶۵} به همین دلیل پیشنهاد شده است که با توجه به چالش‌هایی که بر سر راه اعمال صلاحیت دادگاههای داخلی در رسیدگی به جنایت تجاوز وجود دارد، دادگاههای داخلی از این صلاحیت استفاده نکنند.^{۶۶} پس به‌باور نگارنده، بایستی فراز دوم ماده ۱۸ طرح پیشنهادی حذف گردد.

۴-۱-۲. دومین نکته اینکه، در طرح پیشنهادی، صلاحیت قضایی دادگاههای ایران در رسیدگی به جرایم بین‌المللی، قطع نظر از محل وقوع این جرایم، مورد شناسایی قرار گرفته است به گونه‌ای که در هر مکان این جرایم ارتکاب یابد، محاکم ایران قادر به محاکمه مرتکب خواهند بود. از منطوق ماده ۹ قانون مجازات اسلامی نیز چنین برداشت می‌شود که حکم این ماده، شامل

۶۳. با در نظر داشتن این واقعیت که جنایت تجاوز، از جرایم رهبران است.

Patrycja Grzebyk, *Criminal Responsibility for the Crime of Aggression* (London: Routledge, 2013), 230.

۶۴. حسن پورباقرانی، پیشین، ۱۸۵.

۶۵. در این مورد نظر مخالف وجود دارد. نک: رسول مظاهری کوهانستانی و محمدجواد حیدریان دولت‌آبادی، «محدودیت‌های دادگاه‌های ملی کشورها در اعمال صلاحیت جهانی رسیدگی به جنایت تجاوز»، تعالی حقوق، ۵، ۲ (۱۳۹۸)، ۵۳-۲۹.

DOI: 10.22034/thdad.2019.239571

۶۶. حسین آقایی جنت‌مکان، «تعریف، عناصر و شرایط اعمال صلاحیت دیوان بین‌المللی کیفری نسبت به جنایت تجاوز (با نگاهی به موافقت‌نامه کامپالا)»، مجله

حقوقی بین‌المللی، ۲۸، ۴۴ (۱۳۹۰) ۱۸۸

DOI: 10.22066/cilamag.2011.17166

And See: Douglas Guilfoyle, *International Criminal Law* (New York: Oxford University Press, 2016), 310.

آن دسته از جرایمی است که بیرون از کشور به وقوع پیوسته، خواه در قلمرو حاکمیت دولت دیگر و خواه در جایی که هیچ حاکمیتی مستقر نیست. زیرا منطقی نیست که قانون‌گذار، صلاحیت رسیدگی به جرمی را که در ایران ارتکاب یافته است به دستگیری مرتکب، مقید کرده باشد چون صلاحیت سرزمینی، تکلیف این قبیل جرایم را به وضوح تعیین کرده است.

۳-۱-۴. سومین نکته اینکه، در طرح پیشنهادی، شخصیت مرتکب و مجنی علیه، موضوع اعمال صلاحیت قضایی نمی‌باشد و ارتکاب این جرایم، توسط مرتکب با هر تابعیتی و علیه هر کس، از سوی محاکم ایران قابلیت رسیدگی خواهد داشت. در بحث از نسبت ماده ۹ قانون مجازات اسلامی، با دیگر مواد قانون مجازات اسلامی در باب صلاحیت مبتنی بر تابعیت مرتکب و تابعیت مجنی علیه، اصولاً باید فرض تابعیت ایرانی مرتکب را منتفی دانست. هرچند این فرض که یک تبعه ایرانی در قلمرو دولت دیگری مرتکب جرمی شده و در ایران دستگیر شده باشد با حکم ماده ۹ تطبیق می‌کند ولی چون قانون‌گذار، حکم جرم ایرانیان در بیرون از کشور را در مواد پیش از ماده ۹ تعیین کرده است، به نظر نمی‌رسد که حکم ماده ۹ را بار دیگر بر پایه صلاحیت شخصی نهاده باشد. لذا ضروری است در طرح پیشنهادی، به این ابهام پاسخ داده شود.

همچنین به فراخور بحث، وقتی سخن از تابعیت مرتکب به میان می‌آید ابهام درباره جرایم بیگانگان که بیرون از کشور، در خدمت دولت ایران هستند^{۶۷} یا علیه منافع اساسی دولت ایران اقدام می‌کنند^{۶۸} پدیدار می‌شود. توضیح اینکه، با دقت نظر در ماده ۵ قانون مجازات اسلامی که صلاحیت قوانین کیفری ایران را نسبت به جرایم معینی که ایرانیان و بیگانگان در بیرون از کشور مرتکب می‌شوند اعلام کرده است، و ماده ۶ همین قانون که جرایم بیگانگان در خدمت دولت ایران را در بیرون از کشور، مشمول قوانین کیفری ایران دانسته است طرح این پرسش ضروری است که آیا قانون‌گذار در ماده ۹ نیز به جرایم بیگانگان نظر داشته است؟ به نظر می‌رسد مراد قانون‌گذار نباید همه جرایم بیگانگان باشد.

اتباع بیگانه بیرون از قلمرو حاکمیت یک دولت، هرگاه مرتکب جرمی شوند، هنگامی سزاوار تعقیب و مجازات‌اند که علیه منافع یا نظم عمومی دولت مذکور اقدام کرده باشند. دولتی که از این اقدام ضرری ندیده باشد در جبران ضرری که از ارتکاب جرم به دولت دیگر وارد شده منطقی نفعی برای خود عاید نمی‌بیند. از این روی، بعید نیست که قصد قانون‌گذار در وضع ماده ۹ قانون مجازات اسلامی، بر آن بوده که صلاحیت قوانین کیفری ایران را نسبت به بعضی دیگر از جرایم بیگانگان بیرون از کشور توسعه دهد و این جرایم باید به زعم قانون‌گذار در شمار جرایمی باشد که به موجب قانون خاص یا عهود و مقررات بین‌المللی، مرتکب در هر کشوری یافت شود محاکمه می‌شود.^{۶۹}

اکنون که مجلس شورای اسلامی، در مقام تثبیت صلاحیت جهانی برای محاکم داخلی برآمده است، ضروری است که راه حل تعارض در آنچه شرح داده شد را بیان نماید، چه اینکه قواعد خاصی، همانند قواعد حل تعارض در قلمرو حقوق بین‌الملل خصوصی، در حل تعارض بین این قبیل صلاحیت‌های کیفری حاکم نیست.^{۷۰}

۲-۴. در سنجه الزامات صلاحیت جهانی

۶۷. موضوع ماده ۶ قانون مجازات اسلامی.

۶۸. موضوع ماده ۵ قانون مجازات اسلامی.

۶۹. محمدعلی اردبیلی، «ماده ۸ قانون مجازات اسلامی و اصل صلاحیت جهانی»، تحقیقات حقوقی، ۱۳، ۵۱ (۱۳۸۹)، ۶۱.

۷۰. حقوق بین‌الملل در این مورد اولوی برای هیچ‌یک از صلاحیت‌ها قائل نیست. هم‌چنین حقوق معاهداتی، «محاکمه‌کن یا مسترد نما» را به عنوان یک اصل بنیادین در قلمرو معاضدت قضایی مطرح می‌کند. ابراهیم بیگزاده، پیشین، ۲۵۸-۲۵۹.

۴-۲-۱. نکته اول اینکه، کنوانسیون‌های بین‌المللی، صلاحیت جهانی را با توجه به حضور مرتکب در سرزمین کشور مدعی صلاحیت پیش‌بینی کرده‌اند و اغلب کشورها نیز اجرای صلاحیت جهانی را مشروط به حضور مرتکب دانسته‌اند. البته بلژیک کشوری بوده است که اجرای صلاحیت جهانی را به حضور شخص تحت تعقیب در سرزمین مشروط نکرده بود.^{۷۱}

ماده ۱۹ طرح پیشنهادی اشعار می‌دارد «محاکم جمهوری اسلامی ایران می‌تواند براساس صلاحیت مندرج در ماده ۹ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ متهم یا متهمین به ارتکاب هر یک از جرائم این قانون را، حتی اگر در ایران یافت نشوند محاکمه غیابی نمایند». ملاحظه می‌گردد ماده ۱۹ طرح پیشنهادی با اشاره به ماده ۹ قانون مجازات اسلامی، که اعمال صلاحیت قضایی جهانی را مشروط به یافت شدن مرتکب در ایران می‌داند، بر امکان محاکمه غیابی متهم به ارتکاب جرایم بین‌المللی تصریح می‌کند. پس آیا طرح پیشنهادی، محاکمه غیابی مرتکب را پذیرفته است؟ دلیل ارجاع ماده ۱۹ طرح پیشنهادی، به ماده ۹ قانون مجازات اسلامی چیست؟ آیا بین این دو ماده تعارض وجود دارد؟

در پاسخ، چنانچه قائل به این برداشت باشیم که دلیل ارجاع ماده ۱۹ طرح پیشنهادی به ماده ۹ قانون مجازات اسلامی، این است که تدوین‌کنندگان طرح، معتقدند که ماده ۹ قانون مجازات اسلامی در مقام برقراری صلاحیت جهانی برای محاکم داخلی است، تعارضی بین این دو ماده وجود ندارد و می‌توان چنین برداشت نمود که حضور مرتکب جرایم بین‌المللی در ایران و یا یافت شدن وی، به منظور محاکمه او لازم دانسته نشده است و از این حیث، تعارضی بین مواد ۱۸ و ۱۹ طرح پیشنهادی نیز وجود ندارد و در نتیجه، مطابق ماده ۱۸ طرح پیشنهادی، فقط لزوم یافت شدن مرتکب در ایران به منظور به جرایم افتادن تعقیب کیفری علیه وی وجود دارد و دادسرا زمانی می‌تواند تعقیب و تحقیق را آغاز نماید که مطابق ماده ۹ قانون مجازات اسلامی، مرتکب در ایران یافت شود.^{۷۲} طرح پیشنهادی، یافت شدن مرتکب را برای آغاز تعقیب و تحقیق جرایم بین‌المللی لازم می‌داند اما محاکمه، می‌تواند غیابی باشد. توجه به عبارات به کاررفته در متن ماده ۱۹، از جمله «محاکم» و «محاکمه»، نشان‌دهنده همین برداشت است. پس دادگاه بر مبنای ماده ۴۰۶ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ با اصلاحات و الحاقات بعدی که اشعار می‌دارد «در تمام جرایم [...] هرگاه متهم یا وکیل او در هیچ‌یک از جلسات دادگاه حاضر نشود یا لایحه دفاعیه نفرستاده باشد، دادگاه پس از رسیدگی، رأی غیابی صادر می‌کند» اقدام می‌کند. واضح است که تأکید و ارجاع به ماده ۹ قانون مجازات اسلامی در متن ماده ۱۹ ضرورتی ندارد و نیازمند اصلاح است.^{۷۳}

پس، طرح پیشنهادی با عدول از شرط یافت شدن مرتکب، صلاحیت قضایی جهانی را به نحو مطلق پذیرفته است. اما نقدی که به ماده ۱۹ و امکان محاکمه غیابی مرتکب وارد است اینکه، آن گونه که در بخش دوم توضیح دادم، دادگاه‌های ایران، صلاحیت خود را از عهدنامه‌ها وام می‌گیرند و مطابق تمامی این عهدنامه‌ها، صلاحیت قضایی جهانی دارای مختصاتی است که باید رعایت شوند؛ از جمله، شرط دستگیری یا یافت شدن مرتکب.^{۷۴} بنابراین، هر کشوری که مجرم در آن دستگیر شود صلاحیت رسیدگی

71. Antoine Bailleux, "L'histoire de la loi belge de compétence universelle, Une valse à trois temps: ouverture, étroitesse, modestie", *Droit société*, 59(2005), 107.

۷۲. ولو دستگیر نشده باشد. طرح پیشنهادی، مُراد از «یافت شدن مرتکب» را مشخص نکرده است. هم‌چنین تکلیف موردی که مظنون، تنها از قلمرو ایران «عبور» می‌کند، و یا «حضور» دارد لکن یافت نشده است!

۷۳. در این خصوص نمی‌شود گفت که قانون خاص لاحق (طرح پیشنهادی)، قانون عام سابق (قانون مجازات اسلامی) را تخصیص می‌زند. زیرا اولاً، صرف پذیرش عهدنامه‌ها توسط ایران و ملحق شدن به آن برای ایجاد صلاحیت در رسیدگی به جرایم بین‌المللی کافی نیست و باید اقداماتی در راستای این الحاق به عمل آورد. ثانیاً، مواد ۱۸ و ۱۹ طرح پیشنهادی، در مقام بیان بوده و به ماده ۹ قانون مجازات اسلامی استناد و ارجاع داده‌اند، و لذا گریزی از برداشت به عمل آمده از سوی نگارنده به شرح مذکور نیست.

۷۴. تا آنجا که گفته شده است صلاحیت جهانی، صلاحیتی مبتنی بر دستگیری است؛ حسن پورباقرانی، پیشین، ۱۸۵.

پیدا کرده و یا خود باید رسیدگی کند یا او را مسترد کند.^{۷۵} در واقع، اعمال اصل «یا استرداد، یا محاکمه»،^{۷۶} که به عنوان دو گزینه، فراروی دولتِ واجد صلاحیت قضایی جهانی مطرح می‌شود، مستلزم حضور مرتکب در کشور مدعی صلاحیت است و بدیهی‌ست که داشتن این حق انتخاب، فرع بر این است که دولت مدعی صلاحیت، متهم را در اختیار داشته باشد. هم‌چنین، هدف از اعطای صلاحیت قضایی جهانی به یک دولت، جلوگیری از بی‌کیفرمانی مجرمی‌ست که برای فرار از محاکمه به آنجا گریخته است، «نه تبدیل آن دولت به دادسرای بین‌المللی جرایم».^{۷۷}

پذیرش شرط محاکمه غیابی در ماده ۱۹ طرح پیشنهادی، از آنجا عجیب‌تر می‌نمایند که ماده ۱۸ طرح، تعقیب و تحقیق را منوط به یافت شدن مرتکب در ایران می‌داند!

اعمال صلاحیت جهانی مطلق، در فرض عدم اشتراطِ دستگیری یا حضور مرتکب در کشور خارجی (فرضی که دولت، هیچ ارتباطی با مرتکب ندارد)، ممکن است با اصول حقوق کیفری نیز در تضاد باشد. به عنوان مثال، ممکن است قانون کشوری که مظنون در آن مرتکب جرم شده یا قانون کشور متبوع مرتکب یا قانون کشوری که مرتکب در آن دستگیر شده است، «مساعدتر» از قانونی باشد که دولت خارجی که هیچ ارتباطی با مرتکب ندارد، نسبت به آن جرم تعریف نموده است. یا اینکه مثلاً، مجازات مربوط به جرم ادعایی در کشوری که صلاحیت جهانی محض را اعمال می‌کند، شدیدتر از کشورهای دارای صلاحیت شخصی یا مبتنی بر تابعیت مجنی‌علیه و یا واقعی باشد. لذا صلاحیت جهانی مشروط از منظر اصل قانونی بودن، مشکل کمتری دارد، چراکه حضور شخص در قلمرو می‌تواند به عنوان تبعیت داوطلبانه او از قوانین داخلی مربوطه تفسیر شود.^{۷۸} به همین دلیل گفته شده است که صلاحیت جهانی مشروط را می‌توان بهترین شکل اعمال این صلاحیت دانست،^{۷۹} تا آنجا که در قضیه قرار بازداشت ۱۱ آوریل ۲۰۰۰ (که در بخش سوم شرح داده شد) گفته شده است که مسئله اصلی در اعمال صلاحیت جهانی، پیش شرط بودن یا نبودن حضور مظنون در پیشگاه محاکم به منظور اعمال صلاحیت جهانی می‌باشد.^{۸۰} در مجموع، صلاحیت قضایی جهانی در طرح پیشنهادی، به طور شفاف تبیین نشده و حدود و ثغور و مختصات آن تعریف نگردیده است.

۴-۲-۲. نکته دوم اینکه، برخی نویسندگان و بسیاری از قوانین ملی، وجود ارتباط میان پرونده و دولت مدعی صلاحیت را پیش شرط اعمال صلاحیت جهانی قلمداد کرده‌اند.^{۸۱} اصل صلاحیت جهانی، دولت‌ها را به ایجاد صلاحیت اولیه^{۸۲} ملزم می‌کند. مطابق این صلاحیت، دولت‌هایی که بیشترین ارتباط را با جرم ارتكابی دارند، مکلف به اعمال صلاحیت در مورد جرم مورد بحث هستند و سپس، مطابق صلاحیت ثانویه،^{۸۳} صلاحیت برای کشوری است که متهم در آن حضور دارد و متهم را به دولت‌های دارای صلاحیت اولیه مسترد نمی‌کند. لذا این واقعیت که صلاحیت، فقط در فقدان درخواست استرداد، اعمال می‌شود نشان

۷۵. ابراهیم بیگزاده، پیشین، ۲۵۷.

76. aut dedere aut judicare.

۷۷. علی خالقی، «محاکمه صدام و مسأله صلاحیت دادگاه از منظر حقوق داخلی و بین‌المللی»، پژوهش‌های حقوقی، ۲، ۴(۱۳۸۲)، ۲۹-۳۰.

78. Ana Srovin Coralli, op. cit., 44-46.

79. Antonio Cassese, "Is the Bell Tolling for Universality? A Plea for a Sensible Notion of Universal Jurisdiction". *Journal of International Criminal Justice*, 1, 3(2003), 590. DOI: 10.1093/jicj/1.3.589

۸۰. دایان اورنتلیچر، پیشین، ۱۷۶.

۸۱. همان، ۱۶۸-۱۷۴.

82. Primary Jurisdiction

83. Secondary Jurisdiction

می‌دهد که استرداد، روش معمول خواهد بود و صلاحیت، تنها زمانی مطرح خواهد شد که استرداد ممکن نباشد.^{۸۴} در واقع، استفاده از صلاحیت جهانی، لزوماً به این معنی نیست که آن را عاری از هرگونه ارتباط با دولت مجری بدانیم.^{۸۵} نگارنده، با کاربست صلاحیت قضایی جهانی در شرایطی فراتر از محدوده‌های مورد اجماع دولت‌ها مخالف است. لذا پیشنهاد می‌شود قید «در صورت لطمه به منافع اساسی کشور»، به ماده ۱۸ طرح پیشنهادی اضافه شود. این پیشنهاد، صلاحیت قضایی جهانی مدنظر تدوین‌کنندگان طرح را از «مطلق» خارج و «مشروط» می‌سازد. از طرفی، این قید، موضوع دیگر صلاحیت‌های اجرای قوانین کیفری در مکان یعنی صلاحیت‌های شخصی، مبتنی بر تابعیت مرتکب و مجنی‌علیه، و واقعی نمی‌باشد و از این حیث دارای نوآوری است. البته ضروری است که «منافع اساسی کشور»، تعریف و تحدید شوند.

۳-۲-۴. نکته سوم اینکه، یادداشت‌های ارسالی از سوی ۵۷ کشور جهان به دبیرکل سازمان ملل متحد در ارتباط با بررسی مجمع عمومی در موضوع قلمرو و کاربرد اصل صلاحیت جهانی،^{۸۶} نشان می‌دهد که نیمی از کشورهای مذکور، اعمال صلاحیت جهانی را منوط به شروطی از قبیل اخذ مجوز از یک مقام رسمی دولتی مانند دادستان کل، وزیر دادگستری یا وزیر امور خارجه کرده‌اند؛ امری که در طرح پیشنهادی، به چشم نمی‌خورد. زیرا می‌دانیم اجرای برخی از قواعد حقوق بین‌الملل، لزوماً ارتباطی به جذب یا نحوه جذب‌شان در نظام‌های حقوقی داخلی ندارند و مرجع اعمال و تصمیم‌گیری در مورد آنها، نهادهای اجرایی و سیاسی یک کشور هستند.^{۸۷}

گفتنی است که ماده ۱۴ لایحه قانون مجازات و نحوه رسیدگی به جرایم بین‌المللی^{۸۸}، از «هیأت سیاستگذاری مبارزه با جرایم بین‌المللی» صحبت کرده‌بود که همین وظیفه اشاره‌شده در بالا را برعهده داشت.

۳-۴. در سنجه تجربه بلژیک

۳-۴-۱. اولین نکته به تجربه بلژیک در پیش‌بینی متناسب بودن تعقیب^{۸۹} مربوط می‌شود. حسب مجازات‌های پیش‌بینی شده برای مرتکبان جرایم بین‌المللی در طرح پیشنهادی، دادستان در ایران، فقط اختیار اعمال قاعده متناسب بودن تعقیب را در «شروع» به ارتکاب محدودی از جرایم بین‌المللی دارد، در حالی که دادستان بلژیکی در طیف زیادی از این جرایم^{۹۰} می‌توانست از به‌جریان‌انداختن تعقیب کیفری علیه متهم خودداری نماید.^{۹۱}

۸۴. برای مثال: ماده (۲)۴ کنوانسیون مقابله با تصرف غیرقانونی هواپیما، ۱۹۷۰ لاهه؛ ماده (۲)۵ کنوانسیون مقابله با اعمال غیرقانونی علیه امنیت هوایمی کشور، ۱۹۷۱ مونترال؛ و ماده (۲)۳ کنوانسیون جلوگیری و مجازات جرایم علیه اشخاص مورد حمایت بین‌المللی از جمله مأموران دیپلماتیک، ۱۹۷۳ نیویورک.
85. Mohammad Cherif Bassiouni, "Universal Jurisdiction for International Crimes: Historical Perspectives and Contemporary Practice", Virginia Journal of International Law, 42(2001) 104.

۸۶. که در دستور کار کمیته ششم در سال ۲۰۱۰ میلادی قرار داشت.

87. Jan Klabbbers, International Law (London: Cambridge University Press, 2020), 324.

۸۸. که در سال ۱۳۹۰ خورشیدی، در ۱۵۱ ماده در قوه قضاییه تنظیم و پس از تصویب هیأت وزیران در سال ۱۳۹۲ خورشیدی به مجلس ارسال شد و تاکنون مسکوت مانده است.

۸۹. متناسب بودن تعقیب به این معناست که، دادستان در صورتی که معتقد باشد تعقیب به نفع عدالت نیست می‌تواند تعقیب کیفری را متوقف سازد. نک: علیرضا جمشیدی و علیرضا نوریان، «متناسب بودن تعقیب دعوای کیفری؛ مفهوم، مبانی و جلوه‌ها در حقوق ایران و انگلستان»، پژوهش حقوق کیفری، ۲، ۳ (۱۳۹۲)، ۱۴۳.

90. Articles 16, 2° et 18, 4° de la loi du 5 août 2003 qui, respectivement, introduisaient l'article 10, 1° bis et modifiaient l'article 12 bis du titre préliminaire du Code de procédure pénale.

۹۱. بعدها امتناع دادستان فدرال از آغاز برخی دادرسی‌ها، مورد شکایت دو سازمان غیردولتی قرار گرفت.

Antoine Bailleur, op. cit., 134.

عدم مداخله دادستان در جلوگیری از تقدیم برخی شکایات‌ها، ضرورت انجام تحقیقات مقدماتی توسط بازپرس^{۹۲} را به‌دنبال دارد. به‌دیگر بیان، وقتی که شکایت تقدیمی، آشکارا بی‌پایه و اساس باشد، یا وقتی که عمل انتسابی به متهم منطبق با جرایم پیش‌بینی شده در طرح مورد بحث نباشد،^{۹۳} و یا وقتی که از اوضاع و احوال معلوم قضیه چنین استنباط شود که برای اجرای بهتر عدالت و رعایت تعهدات بین‌المللی، رسیدگی به شکایات باید به مراجع بین‌المللی کیفری یا مراجع قضایی محل ارتکاب یا دولت متبوع مرتکب یا دولتی که ممکن است مرتکب در آنجا حضور داشته باشد و یافت گردد^{۹۴} سپرده شود، بهتر است چنین اختیاری برای دادستان در نظر گرفته شود.^{۹۵} در این مورد، تمایل تدوین‌کنندگان طرح برای جهان‌شمولی فزاینده^{۹۶}، به‌معنای صرفاً اعمال صلاحیت جهانی، یا به‌طور مشخص، زمانی که ارتباط معناداری میان جرم و دولت رسیدگی‌کننده وجود ندارد، مشهود است.

۳-۳-۴. دومین نکته به تجربه بلژیک در امکان منع رسیدگی مراجع قضایی مربوط است. به‌موجب قانون ۲۳ آوریل ۲۰۰۳ میلادی، هرگاه جرم در خارج از بلژیک واقع شده‌بود یا مجنی‌علیه تبعه بلژیک نبود و مرتکب از اتباع دولتی بود که قوانین آن دولت، موارد نقض شدید حقوق بشردوستانه به‌شرح مقرر در قانون بلژیک را جرم شناخته و حق طرفین را به برگزاری یک دادرسی منصفانه تضمین می‌نمود، وزیر دادگستری می‌توانست با تصویب هیأت دولت، اتهامات موردنظر را به اطلاع دولت متبوع متهم برساند و پس از اطلاع، دیوان عالی بلژیک به تقاضای دادستان، منع رسیدگی مراجع قضایی بلژیک از رسیدگی به اتهامات را اعلام می‌نمود.^{۹۷} این مقرر با مؤلفه‌های صلاحیت قضایی جهانی هم‌خوانی دارد و شایسته است در طرح پیشنهادی درج گردد.

۳-۳-۴. آخرین نکته در این‌بخش اینکه، مطابق قوانین برخی کشورها،^{۹۸} صلاحیت جهانی، تنها وقتی می‌تواند اعمال شود که دولت صالح، غیر مایل یا غیر قادر در تعقیب و محاکمه باشد. این کشورها دادگاه‌های سرزمینی و دیوان بین‌المللی کیفری را مقدم در رسیدگی به پرونده می‌دانند و بر این باورند که دادگاه‌هایشان در صورتی می‌توانند صلاحیت خود را اعمال نمایند که شاکی بتواند مدرک معقولی حاکی از عدم پیگیری و فعالیت مقامات دولت سرزمینی، و یا عدم توانایی و یا تمایل دادگاه‌های سرزمینی در تعقیب مؤثر جرایم ادعایی ارائه نماید،^{۹۹} امری که ضرورت دارد در طرح پیشنهادی پیش‌بینی شود.

از مجموع مباحث بخش چهارم، این نتیجه حاصل می‌شود که طرح پیشنهادی، نقطه ارتباط و تماس قابل‌قبولی از لحاظ بین‌المللی برای اعمال صلاحیت در نظر نگرفته است و موجب می‌شود نظام عدالت کیفری داخلی، مملو از پرونده‌هایی شود که

۹۲. ماده ۸۹ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ خورشیدی با اصلاحات و الحاقات بعدی.

۹۳. توصیف نادرست.

۹۴. مشروط به اینکه مرجع مزبور، مستقل، بی‌طرف و قادر به انجام دادرسی مطابق با اصول حاکم بر دادرسی کیفری باشد.

۹۵. البته دادستان بلژیکی به‌دنبال اصلاحات ۲۰۰۳ میلادی، می‌توانست از ارجاع پرونده‌ای که می‌تواند نزد یک دادگاه بین‌المللی یا دادگاه سرزمینی طرح شود، به قاضی تحقیق خودداری نماید، با این‌قید که باید منافع عدالت‌محور و تعهدات بین‌المللی بلژیک را مدنظر داشته باشد؛

Article 7 of the Law amending the law of June 16, 1993, concerning the prohibition of grave breaches of international humanitarian law.

96. Universality Plus

۹۷. علی خالقی، «بلژیک و پایان ده‌سال رؤیای صلاحیت جهانی در جرائم بین‌المللی»، پیشین، ۲۵.

۹۸. آلمان و اسپانیا.

99. Hervé Ascensio et Emmanuel Decaux et Alain Pellet, DROIT INTRNATIONAL PENAL (Paris: Pedone, 2012), 1017.

تنها ارتباط این پرونده‌ها با دولت جمهوری اسلامی، حضور مدعی پرونده در ایران است، چه‌اینکه حضور قربانی، اساس مناسبی برای اعمال صلاحیت دادگاه ایرانی نمی‌باشد.^{۱۰۰}

نتیجه‌گیری

دولت‌ها برای حفظ هم‌گرایی بین حاکمیت خود و مبارزه با بی‌کیفرمانی مجرمان بین‌المللی، به صلاحیت جهانی، و برای اجتناب از واگرایی بین حاکمیت دولت‌های دیگر و مبارزه با بی‌کیفرمانی مجرمان بین‌المللی، به صلاحیت جهانی مشروط روی می‌آورند. در ایران، صلاحیت جهانی به‌موجب ماده ۹ قانون مجازات اسلامی پیش‌بینی شده‌است که محدود به شروطی است. (صلاحیت جهانی مشروط) پس از جنگ دوازده‌روزه، نمایندگان مجلس شورای اسلامی اقدام به تقدیم طرحی با دوفوریت تحت‌عنوان «صلاحیت رسیدگی محاکم جمهوری اسلامی ایران در خصوص جرایم بین‌الملل» به هیئت ریسه مجلس نمودند و طی این طرح به ایجاد صلاحیت مستقل برای محاکم ایران در رسیدگی به جرایم نسل‌زدایی، جنایت علیه بشریت، جنایت جنگی و تجاوز پرداختند. (صلاحیت جهانی مطلق)

موانع پیش‌روی در اعمال این معیار جهانی، در ابعاد مختلف حقوقی، فنی و سیاسی قابل بحث است.^{۱۰۱} برای مثال می‌توان پیش‌بینی نمود گروهی از قضات قائل بر این‌امر باشند که اعمال صلاحیت کیفری توسط دادگاه‌های ملی نسبت به جرایم بین‌المللی، منوط به حضور متهم در قلمرو ایران است و رسیدگی غیابی در این موارد امکان ندارد و در قالب سیاست جنایی قضایی، عدم تمایل خود را در اعمال و اجرای تفسیر مدّ نظر واضعین طرح نشان دهند.

برآیند پژوهش حاضر که شایسته بحث بسیار مفصل‌تری است، در سه نکته بیان می‌شود: (الف) در طرح پیشنهادی با پذیرش صلاحیت جهانی مطلق، مختصات و الزامات صلاحیت قضایی جهانی که در حقوق بین‌الملل و ماده ۹ قانون مجازات اسلامی درج گردیده، رعایت نشده است که اثر این منطوق دوگانه، در عمل و نزد دادرها و محاکم به تدریج رخ می‌نماید. (ب) امکان رسیدگی به جنایت تجاوز به‌سیاق ذکر شده در طرح پیشنهادی، وجود ندارد. (پ) امکان اعمال صلاحیت دادگاه‌های ایران در بسیاری از مصادیق جرم‌انگاری شده در طرح پیشنهادی تحت‌عنوان جنایت علیه بشریت، به دلایل شرح داده شده در بخش دوم، وجود ندارد. شکاف بین انتظارات حقوقی تدوین‌کنندگان طرح و واقعیت‌های حقوقی، واضح است زیرا ادعای حقوقی، باید منعکس‌کننده واقعیت حقوقی باشد. لذا پیش از هر چیز، به یک سیستم منسجم حقوق کیفری بین‌المللی نیاز است، چه اینکه مجمع عمومی سازمان ملل متحد تأکید نموده است «دولت‌ها بایستی در حقوق داخلی خود مفاد متناسبی را در مورد صلاحیت جهانی تمهید و اجرا نمایند تا بتوانند به تعهدات حقوقی بین‌المللی خود ترتیب اثر دهند.»^{۱۰۲} این نکات ما را به چهارمین برآیند می‌رساند که (ت) اگرچه ظهور و رشد محاکم بین‌المللی، نقش محاکم داخلی را در توسعه و اجرای حقوق بین‌الملل کم‌رنگ نکرده است و این محاکم هنوز هم از ارکان مهم اجرای حقوق بین‌الملل محسوب می‌شوند لکن عدم اشاره به همکاری با دیوان بین‌المللی کیفری یا سایر مراجع قضایی بین‌المللی در طرح پیشنهادی، خلأ جدی است.

۱۰۰. ارتباط معنادار یا نقطه‌تماس بین پرونده و دادگاه داخلی، ضابطه‌ای است که توسط دیوان عالی فدرال آلمان در ۱۹۹۸ میلادی، در خصوص شکایت دو تبعه یوگسلاوی به اتهام نسل‌زدایی و جنایت جنگی علیه اتباع غیر آلمانی اتخاذ شد و به دلیل عدم وجود ارتباط معنادار بین پرونده و دادگاه، دادگاه آلمانی وارد رسیدگی نشد. نک: دایان اورنتلیچر، پیشین، ۱۷۹.

۱۰۱. معصومه‌سادات میرمحمدی، پیشین، ۱۰۴-۱۴۱.

102. General Assembly Resolution 60/147, Basic principles and guidelines on the right to a remedy and reparation for victims of gross violations of international human right law and serious violations of international humanitarian law, December 16, 2005, Article 5.

التهایه، به باور این نوشتار که تلاش نمود راهبرد خود را بر پایه ایجاد ارتباط نزدیک با رویه عملی کشورها از جمله بلژیک، با دیدگاهی واقع‌گرایانه به‌پیش ببرد، با توجه به محدودیت‌های اصولی برای توسل به صلاحیت قضایی جهانی، باید در عین اعتقاد به آرمان‌ها، نسبت به اصول حرفه‌ای متدولوژیک علم حقوق وفادار ماند، چرا که تنها ایجاد دادگاه صلاحیت جهانی کافی نیست و حداقل نتایج آن مانند مجازات مجرم، حمایت از قربانی و اجرای دادرسی منصفانه نیز حائز اهمیت است.^{۱۰۳} لذا نگارنده با تأکید بر اثر بالقوه تخریبی صلاحیت جهانی افسارگسیخته و یادآوری اینکه صلاحیت جهانی در عمل به ندرت اعمال شده و می‌شود، به پذیرش صلاحیت قضایی جهانی مطلق به نحو مندرج در مواد ۱۸ و ۱۹ طرح پیشنهادی، نه و به پذیرش صلاحیت قضایی جهانی مشروط، با رعایت شروط و تعاریف روشن و دقیق به شرح مندرج در این مقاله از جمله ضابطه حضور متهم، آری می‌گوید.

103. Máximo Langer and Mackenzie Eason, "The Quiet Expansion of Universal Jurisdiction", *European Journal of International Law*, 30, 3(2019), 788. DOI: 10.1093/ejil/chz050